

## تاریخ جهان

راز ربوده شدن نوزادان  
در جنگ داخلی آرژانتین

## دیکتاتورهای بچه‌دزد!



ویدالاراستا و بیگنون (چپ)

در سال ۲۰۱۰ میلادی، خورخه رافائل ویدلا، رئیس‌جمهور سابق آرژانتین، به همراه رینالدو بیگنون، آخرین رهبر رژیم نظامی این کشور به اتهام‌دزدیدن نوزادان زندانیان سیاسی در دوران «جنگ کثیف»، به دادگاه احضار شدند. در آن زمان، دلی تلگراف نوشت که این دو دیکتاتور آرژانتینی متهم هستند که طی دوران جنگ کثیف در آرژانتین، نوزادان زندانیان سیاسی را بلافاصله پس از تولد در زندان، می‌ربودند و به افسران نظامی خود، خانواده نظامیان یا اقوام آن‌های می‌دادند. به گزارش تاریخ ایرانی، فردیکو دلگادو، دادستان فدرال آرژانتین اظهار کرد: دزدی کودکان و نوزادان، بزرگ‌ترین نقطه سیاه و تاریک تاریخ آرژانتین است، دزدی‌ای که جرعه آن در شهر بوئنوس آیرس زده شد. بنا به اعلام کمپین «پلازا دو مایو»، طی دوره جنگ کثیف در آرژانتین، بیش از ۵۰۰ نوزاد از مادران خود جدا و به عبارتی از سوی دیکتاتورهای نظامی حاکم در آرژانتین دزدیده شدند. در این دوره، زنان باردار مخالف حکومت، در مراکز مخفی حکومتی که محلی برای شکنجه مخالفان بود، زایمان می‌کردند و نوزادانشان به مقامات حکومتی تحویل داده می‌شدند. بیشتر مادران، پس از تولد نوزاد کشته می‌شدند، اما کشته شدن آن‌ها نیز به شیوه‌ای عادی صورت نمی‌گرفت. اکثر این مادران، زنده از هواپیما به دریای پرتاب می‌شدند.

## ■ فاش شدن هویت ربوده‌شدگان

اما آن‌چه در این میان جالب به نظر می‌رسد، آماری است که از سوی کمپین «پلازا دو مایو» منتشر شده است؛ این کمپین موفق شد هویت ۱۰۲ تن از این نوزادان را شناسایی کند. از این صد نوزاد دزدیده‌شده، شمار قابل توجهی سیاستمدار یا فعال حقوق بشر شده‌اند! «لئوناردو فوساتی» ۳۳ ساله از جمله بازماندگان این فاجعه بزرگ تاریخی آرژانتین است که در تظاهرات خیابان‌های اطراف محل تشکیل دادگاه این دو دیکتاتور شرکت کرده است. او می‌گوید ما برای این دیکتاتور هانتها حکم غنیمت جنگ را داشتیم. بر اساس اسناد و مدارک، ۳۴ مورد از نوزاد ربایی‌های این دو دیکتاتور ثابت شده است. خورخه رافائل ویدلا چهل و سومین رئیس‌جمهور آرژانتین، طی سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ بود که پس از کوتایی که ایزابل مارتنیز پرون را برکنار کرد، به قدرت رسید. رافائل از جمله افرادی بود که پس از بازگشت دموکراسی به آرژانتین، به دلیل نقض گسترده حقوق بشر (جنگ کثیف) و جنایت علیه بشریت که تحت حکومت او صورت گرفت، تحت تعقیب قرار گرفت و سرانجام در سال ۲۰۱۰ به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاهی در آرژانتین محاکمه شد. ویدلا در جریان محاکمه‌اش به دلیل کشتارهای دوران حکومت دیکتاتوری‌اش در سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ میلادی که طی آن ۳۰ هزار نفر ناپدید شدند، به حبس ابد محکوم شد. رینالدو بیگنون نیز، دیکتاتور دیگری چون ویدلا بود که در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۳ رمام حکومت نظامی آرژانتین را در دست داشت. جنگ کثیف، اصطلاحی است که به خشونت‌های دولتی که در آرژانتین علیه مخالفان مردمی و گروه‌های چپ بین سال‌های ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۳ روی داد، گفته می‌شود. در سال ۱۹۷۴ «ایزابیل پرون» بیوه «خوان پرون»، به ریاست جمهوری آرژانتین رسید که با عزل او در سال ۱۹۷۶ جنگ کثیف رسماً آغاز شد. بنا بر گزارش سازمان عفو بین‌الملل در سال ۱۹۷۹، در دوران جنگ کثیف بیش از ۱۵ هزار نفر ربوده، شکنجه و کشته شدند. اسنادی که سال‌ها بعد انتشار یافت، نشان داد که ارتش آرژانتین در سال ۱۹۷۸، ۲۲ هزار نفر را ربوده و به قتل رسانده است. امروزه تعداد افراد کشته یا ناپدید شده را بین ۹ هزار تا ۳۰ هزار نفر تخمین می‌زنند.

## خراسان

پذیرش غیرضروی آگهی های تیریک، تقدیر و تکرار

## پذیرش تلفنی:

۳۷۰۰۹۹۹۹

## پذیرش تلگرافی:

۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

## خیانت کردن، مثل یک «جنتلمن»!

## ۵ گزارش تاریخی از پشت کردن انگلیس، آلمان و فرانسه به قول و قرار هایشان با ایران طی ۲۰۰ سال اخیر



مهاجمان هر چه می‌خواهند، انجام دهند. رهاورد عهدنامه مفصل برای ایران، چیزی جز ناامیدی و نکبت نبود. **خیانت به مشروطه‌خواهان:** انگلیسی‌ها مشروطه‌خواهان را گرفتند؛ آن‌های دانستند که روسیه در دربار قاجار نفوذ فراوانی دارد و باید برای تأمین منافعیشان، به ویژه حفاظت از منابع نفت جنوب، به ایجاد یک آلترناتیو قوی در مقابل دربار بپردازند و این آلترناتیو، چیزی جز مشروطیت نبود. کار به جایی رسید که مشروطه‌خواهان برای تحصن سفارت انگلیس را انتخاب کردند و جناب سفیر هم برای آن‌ها سنگ تمام گذاشت. در مجلس نیز، هنگامی که فشار روسیه تزاری بالایی گرفت، همه امیدها به اقدامات سفارت انگلیس معطوف می‌شد. با این حال، وقتی در سال‌های اوایل قرن بیستم، آلمان به طور فزاینده قدرت گرفت و به یکی از دولت‌های مقتدر اروپایی تبدیل شد و سایه جنگ دوباره بر سر اروپا افتاد، انگلیسی‌ها ترجیح دادند با رقیب، پشت یک میز بنشینند و سنگ‌هایشان را واکشند! نتیجه این نشست، انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ بود؛ انگلیس پذیرفت که ایران به دو منطقه نفوذی تبدیل شود و روسیه تزاری تا اصفهان پیش بیاید و از آن طرف، آن‌ها بخش‌هایی از بلوچستان و البته نفت خوزستان را داشته باشند. در این قرارداد، قول و وعده‌های انگلیس به مشروطه‌خواهان ایران، تبدیل به باد هوا شد!

**قیچی کردن خاک ایران:** انگلیسی‌ها طی دوران حضور استعمار گرانه خود در ایران، نقش مهمی در جدایی بخش‌های مختلف ایران بزرگ، از سرزمین مادری داشته‌اند. یکی از معروف‌ترین آن‌ها، جدایی هرات از خاک ایران است که با حمایت از شورشیان و نیز، تصرف جزیره خارک و زیر فشار گذاشتن ایران، تحقق پیدا کرد. با این حال، شاید کمتر کسی بداند که ضربه‌ای کاری‌تر از جدایی هرات، با اعتماد قاجارها به انگلیس، در منطقه بلوچستان رقم خورد. در سال ۱۸۷۱ میلادی و در پی امضای عهدنامه پاریس، انگلیسی‌ها فردریک گلداسمیت را برای تعیین مرز ایران و هند، به ایران فرستادند و چون مدعی بودند در میان ایرانیان، فردی خبره برای نقشه‌برداری و تعیین حدود وجود ندارد، کار تقسیم را خودشان انجام دادند! به این ترتیب، بخش بزرگی از بلوچستان ایران، برای همیشه از کشور جدا و به هند انگلیس منضم شد.

## ■ فرانسه: مهد لیبرال‌های نامرد!

فرانسه چندان مجال فعالیت در ایران را پیدا نکرد. فرانسوی‌ها تنها در دوره بنایرت ایران را درون حوزه منافع خود صاحب جایگاه دیدند. سودای ناپلئون، تصرف هندوژن ضربه نهایی به انگلیس بود و اصلاً با همین هدف، مصر را گرفت. در همان ایام، قراردادی میان اوو ایران، در فین‌کن‌اشتاین بسته شد؛ قراردادی

نقشه تقسیم ایران در سال ۱۹۰۷: انگلیسی‌ها بر خلاف قول و وعده‌هایشان به برخی مشروطه‌خواهان، در توافقی پشت پرده، به ایرانیان خیانت و کشور را به دو منطقه نفوذ تقسیم کردند. بخشی که با خطوط آبی مجزا شده، به انگلیس رسید و محدوده نقطه چین قرمز، از آن روسیه تزاری شد. انگلیسی‌ها منافع خود در نفت جنوب را هم حفظ کردند

و مهاجرت سیاستمداران پایتخت‌نشین به جنوب و به ویژه اصفهان آغاز شد، تعدادی از وطن‌دوستان تصمیم گرفتند دولتی ملی را در نخست‌وزیری نظام السلطنه مافی تشکیل دهند تا دست کم به اوضاع کشور در مناطق اشغال نشده، رسیدگی کند. مرکزیت این دولت در کرمانشاه قرار داشت. آلمان‌ها مشتاقانه به حمایت از این دولت پرداختند و در قبال اعلام جنگ آن به متفقین، حاضر شدند ماهانه مبلغی را برای اداره امور و نیز تجهیز قشون در اختیار آن‌ها بگذارند. مادریری نگذشت که رویکرد استقلال‌خواهانه دولت ملی، به مذاق سفیر آلمان خوش نیامد. او اعلام کرد که قرار داد قبلی با دولت ملی را، سفیر پیشین منعقد کرده‌ود در این زمینه، اختیاراتی نداشته است! حال اگر دولت ملی می‌خواهد حمایت آلمان را داشته باشد، اولاً باید امور مالی خود را به مستشاران آلمانی وا نهاد، ثانیاً تعدادی از نیروهای خود، مانند آیت‌ا... مدرس را که اهل سازش با بیگانه نیستند، از فعالیت در امور معاف کند. این رویه خیانت‌بار، باعث شد که دولت ملی، روابطش را با آلمان قطع کند. مدتی بعد به دلیل فقدان ادوات نظامی، متفقین توانستند مواضع دولت ملی را اشغال کنند و به عمر آن پایان دهند.



## خراسان

## طرح سجاب

## روزنامه را به جای

## ۲۰۰۰ تومان ۱۱۵۰ تومان بخرید

## مشترك شوید و روزنامه باطله خود را تحویل دهید

۳۷۰۰۹۷۷۷

## قاب تاریخ

## وقتی احمد شاه لاغر بود!



احمد میرزا، فرزند محمدعلی شاه و ملکه جهان خانم، در سال ۱۲۷۵ در تبریز به دنیا آمد. در آن زمان شهر تبریز، ولیعهد نشین ایران بود و پدر احمد میرزا یا همان احمدشاه بعدی، ولیعهد مظفرالدین شاه. احمد میرزا، در ۱۲ سالگی و هنگامی که مشروطه‌خواهان تهران را فتح کردند و پدرش به سفارت روسیه تزاری پناهنده شد، از طرف فاتحان به عنوان شاه جدید انتخاب و مقرر شد تا رسیدن وی به سن قانونی، نایب السلطنه‌های منصوب مجلس، وظایفش را انجام دهند. احمدشاه را فردی خجول و البته پرخور توصیف کرده‌اند. هنگامی که در سال ۱۳۰۲، برای آخرین بار راهی فرنگ شد و به سفری بی‌بازگشت رفت، آن قدر چاق بود که هیکل تومن‌دش، زیر پالتوی گرانقیمتی که بر تن داشت، بی‌نهایت مضحک به نظر می‌رسید. با این حال، زمانی هم بوده که آخرین شاه قاجار، هیکلی‌تر که‌ای داشته است! آن‌چه در تصویر قاب تاریخ امروز می‌بینید، مربوط به دورانی است که احمدشاه، هنوز به طور رسمی شاه ایران نشده بود. او در میان خدمتگزارانش و البته یک افسر انگلیسی که ماهیت او معلوم نیست، قرار گرفته و صورت بی‌روحش را به رخ عکاس باشی کشیده است؛ پسر محمدعلی شاه در این تصویر، لاغر و خوش اندام به نظر می‌رسد. احمدشاه در سال ۱۳۰۸، در ۳۳ سالگی، بر اثر بیماری سرطان معده درگذشت.